**محسن ابراهیمی**

**"سلطان" ناکام ترکیه و جنایت در عفرین!**

**سردرگمی یک دیکتاتور اسلامی!**

اردوغان براستی پرسوناژی است که همه تناقضات بحران در منطقه خاورمیانه را یکجا در خود جمع کرده است. "سلطانی" ناکام که از شکوه عثمانی فقط توانست کاخی ۱۰۰۰ اتاقه دست و پاکند و استقبال از روسای دولتها را با تشریفات دوره عثمانی برگزار کند؛ سرکرده اسلامی که در سراشیبی جنبش اسلامی تقلا کرد نسخه ای دیگر از اسلام را به مثابه ناجی حکومتهای بحران زده منطقه معرفی کند اما خود تا خرخره در بحران گرفتار شد؛ کسی که در متن نفرت جهانی از توحشی به نام شریعت اسلامی، رویای عقب راندن مردم سکولار ترکیه به ضرب و زور شریعت را در سر پروراند و اما پایش در گل ماند؛ جنگ سالار اسلامی که از فرط انزجار جهان از ایدئولوژی اسلامی، به ایدئولوژی ناسیونالیسم در ترکیه چنگ انداخت؛ دیکتاتوری متفرعن و پرنخوت که رفتن همسایه دیکتاتورش بشار اسد را خط قرمز اعلام کرد و قبل از همه خود از روی خط قرمزش عبور کرد؛ کسی که معنای واقعی الگوی جدید "دمکراسی اسلامی" را با سرکوب وحشیانه مردم در شرق وجنوب شرقی ترکیه و توطئه های پی در پی علیه مردم و اخراج از کار و زندانی کردن بالای ۱۵۰ هزار انسان به جرم مخالفت با سیاستهایش جهانیان معرفی کرد؛ "دمکرات اسلامی" ای که ماهیت سرکوبگرانه و ددمنشانه دولت اسلامی حاکم در ترکیه را با حمایت از درندگان داعش به نمایش گذاشت!

سیاستهای اردوغان در سوریه جلوه بسیار روشنی از سردرگمی و هراس یک دیکتاتور سرگردان است که با ادعای تبدیل "دمکراسی اسلامی" ترکیه به الگوی سیاسی در منطقه آغاز کرد و اما خود تا خرخره در مغاک بحران سیاسی فرورفته است.

اسم رمز تهاجم خونین اردوغان به کانتون عفرین، "شاخه زیتون" است. شاخه ای که از برگ برگش خون میچکد. اردوغان با نماد صلح در خاورمیانه زنجیر دومین ارتش ناتو را باز کرده و به جان مردم در "روژاوا" انداخته است. کدامیک از جنگسالاران اسلامی بویی از شرم و شرافت برده اند که اردوغان دومی باشد؟!

**بحران داخلی، دشمن خارجی!**

هر وقت یک دولت سرمایه داری به "خطر خارجی" آویزان میشود، تردید نکنید که خطری داخلی تهدیدش میکند؛ تردید نکنید که به تهییج هیجانات عقب مانده ناسیونالیستی نیاز دارد؛ و بالاخره تردید نکنید که در داخل زیر پایش سست شده است و با لولوی خارجی میخواهد جاپایش در داخل را محکم کند. یک علت تهاجم به مردم عفرین هم زمینه سازی برای تعرض به مردم محروم و ستمدیده در خود ترکیه است. دست اردوغان را قبلا همه خوانده اند. به خاطر بیاورید که چگونه اردوغان قبلا تلاش کرد که شکستش در "انتخابات" را با حمله به مردم کردزبان در شرق و جنوب شرقی ترکیه، اعلام جنگ با پ.ک.ک و راه انداختن ترور و بمب گذاریهای سازمانیافته توسط سازمان امنیت ترکیه و داعش و کشتار در داخل ترکیه جبران کند. چگونه تلاش کرد جامعه را مرعوب کند و پاهای متزلزل حکومتش را محکم کند.

اردوغان که در میان بخشهای زیادی از مردم ترکیه منفور است هنوز با کابوس شکست در "انتخابات" پارلمانی دوسال پیش و تکرار آن در "انتخابات" ریاست جمهوری و مجلس در سال آینده روزگار میگذراند. او به هر جنایتی دست میزند و دست خواهد زد تا از این کابوس رها شود. او میخواهد پیش از این "انتخابات" به قیمت کشتار در عفرین و شمال سوریه خود را به عنوان سرکرده جنگی قدرتمند مدافع "میهن و ملت ترک" به مردم ترکیه قالب کند. او ظرفیت دست زدن به جنایاتی بسیار فراتر از این دارد.

ترکیه و سوریه بیشتر از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارند. حضور فعال و گسترده حزب اتحاد دمکراتیک و نیروهای مسلحش آنهم در نقش اداره کننده سیاسی این منطقه حتما کابوس دائمی یک دیکتاتور اسلامی است که نه تنها در میان مردم کرد زبان در خود ترکیه بلکه در میان بخشهای مهمی از مردم در سایر نقاط ترکیه هم منفور است. سرنوشت مقاومت عفرین و بعدا کل "روژاوا" در مقابل تهاجم نظامی ترکیه قطعا در توازن قوا و اعتماد بنفس و تحرک بعدی هر دو طرف نقش موثری ایفا خواهد کرد.

این موضوع آنقدر برای هیئت حاکمه ترکیه حیاتی است که اردوغان حتی نمیتواند هدفش برای پاکسازی قومی در منطقه را پنهان کند. اردوغان علنا گفته است که "یگانهای مدافع خلق" (ی. پ.گ) و"یگانهای مدافع زنان" (ی.پ.ژ) - که هر دو نیروهای مسلح "حزب اتحاد دمکراتیک" هستند - منطقه را از عربها غصب کرده اند و ظاهرا این فاشیست اسلامی میخواهد عفرین و بعدا کل منطقه را به صاحبان واقعیش یعنی عربها برگرداند!

**بحران منطقه، سهم خواهی سیاسی و چند مولفه دیگر:**

بحران داخلی فقط یک وجه از کل مساله است. لشکرکشی اردوغان از هوا و زمین به کانتون عفرین را باید در متن کشمکشها و تنازعات و معادلات منطقه گذاشت تا به معنا و مضمون واقعیش پی برد. مجموعه ای از اهداف و محاسبات ژئوپولیتیک در هم تنیده در تهاجم ترکیه به عفرین نقش دارند. در این میان فاکتورهای زیر قابل توجه هستند:

۱- محاسبه اولیه هیئت حاکمه ترکیه این بود که بر متن سوریه ویران شده و عروج خلافت اسلامی ابوبکر البغدادی و توحش داعش، اردوغان شاید بتواند به آرزوی مالیخولیایی گسترش قلمرو سیاسی ترکیه جامه عمل بپوشاند. با توجه به شاخ به شاخ شدن آمریکا و داعش و مخصوصا مقابله پیروزمندانه "یگانهای مدافع خلق" علیه داعش در کوبانی و بعدا در رقه این محاسبه بیپایه شد و این آرزوی بیمارگونه به گور سپرده شد. "یگانهای مدافع خلق" و "یگانهای مدافع زنان" به رهبری "حزب اتحاد دمکراتیک" در این به گور سپردن آرزوی اردوغان نقش تعیین کننده و شاخص داشتند. همه چیز به کنار، همین یک مورد کافی است تا اردوغان هرگز از فکر انتقام از "ی.پ.گ" و "ی.پ.ژ"، مخصوصا زنانی که در پیشاپیش مقاومت شورانگیر و تحسین برانگیز در مقابل داعش قرار داشتند خواب راحتی نداشته باشد!

۲- دو قطب درگیر در کمشکش سوریه به رهبری آمریکا و روسیه سخت در کارند تا موقعیت سیاسی آتی خود در منطقه را بر فراز سوریه ویران شده رقم بزنند. در حال حاضر اجلاس ژنو در اروپا را دول غرب رهبری میکنند و اجلاس سوچی در روسیه را پوتین با حضور فعال جمهوری اسلامی ایران و ترکیه پیش میبرند. این دو اجلاس کانالهای دیپلماتیک هستند که دو طرف این تقابل برای تحکیم موقعیت خود در منطقه راه انداخته اند. پشتوانه این دیپلماسی جاری در سالنهای مجلل هتلها، لت و پار کردن بدون تعطیل مردم سوریه با بمب افکنها و آدمکشان همه دولتها و نیروهای مزدورشان در شهرها و روستاهای سوریه است.

اردوغان اگرچه در سطح دیپلماتیک، خود ضلع سوم اجلاس سوچی با حضور روسیه – ایران – ترکیه است، اما ناظر پیشروی بیش از پیش روسیه و جمهوری اسلامی در سرنوشت سیاسی سوریه است. همه تلاش اردوغان این است که به قیمت تحمیل کشتار و ویرانی در کانتونهای شمال سوریه در معاملات آتی سیاسی در منطقه کارتهای موثری دست و پا کند. لشکر کشی به عفرین و احتمالان گسترش آن به مناطق شرقی تر مثل منبیج و سایر کانتونهای شمال سوریه – آنچنانکه این جنایتکار علنا اعلام کرده است - قرار است به این هدف خدمت کند.

۳- هر چقدر موقعیت "حزب اتحاد دمکراتیک" در شمال سوریه قویتر و تثبیت شده تر باشد همانقدر فضا برای دستجات اسلامی که متحد بالفعل ویا بالقوه دولت ترکیه هستند تنگتر خواهد شد و زیر پای نیروهای امنیتی و نظامی ترکیه برای پشتیبانی لجستیکی و سازماندهی و تقویت باندهای اسلامی مسلح سر به ترکیه تضعیف خواهد شد.

در کشورهای بحران زده خاورمیانه مخصوصا در سوریه ویران شده قدرت و نفوذ هر دولتی بسته به ابعاد و قدرت شبه نظامیان وابسته به خود است. با شکست داعش دولت اردوغان از نعمات یک نیروی مهم محروم شده است. حضور مسلط "حزب اتحاد دمکراتیک" در منطقه، دولت اردوغان را از سر وسامان دادن به بازمانده های نیروهای اسلامی و ایفای نقش به عنوان پادوی مسلح محلی دولت ترکیه محروم کرده است. جتهای بمب افکن و صدها تانک و توپ دومین ارتش ناتو قرار است با حمله به عفرین و گسترش آن به مناطق دیگر این مانع را از سر راه بردارد.

به این ترتیب، سرنوشت سوریه هر طور رقم بخورد، حضور سیاسی "حزب اتحاد دمکراتیک" با نیروهای بشدت سازمانیافته مسلحش در شمال سوریه یک مشکل سیاسی و نظامی جدی برای دولت اسلامی اردوغان است. داعش شکست خورده است و اردوغان دنبال نیروهای دیگری است که نقش آدمکشان محلی را برایش ایفا کنند. در حال حاضر "ارتش آزاد سوریه" که صفوفش پر از جهادیهای بازمانده از دسته های متنوع اسلامی است، در حمله به عفرین نقش پادوهای شبه نظامی دولت ترکیه را ایفا میکنند.

۴- دولتهای مرکزی در ترکیه و ایران و عراق و سوریه تاریخی از سرکوب و قتل عام و نسل کشی علیه مردم کردزبان را زیر بغل دارند. یک کابوس دائمی دیگر این دولتها و مخصوصا دولت اسلامی – ناسیونالیست ترکیه این است که از این هراس دارند که با تثبیت قدرت "حزب اتحاد دمکرتیک" در شمال سوریه و هر گونه ابراز وجود سیاسی مردم این منطقه و هر درجه دوری و استقلال از حکومت مرکزی مستبد و تبعیضگر ممکن است الهام بخش مردم سرکوب شده کردستان در کشورهای متبوعه شود و خطر جدی برای ثبات سیاسی خودشان بوجود بیاورد.

مخصوصا بدست گرفتن اداره جامعه و اعمال اراده سیاسی در هر سطحش خطر سیاسی جدی برای دولتهای حاکم در منطقه است. دولتهای ایران و عراق و ترکیه از هر درجه از اعمال اراده سیاسی توسط مردم در مناطق کرد زبان با هر درجه ای از آزادیخواهی و رفع تبعیض و بخصوص برابری و آزادی زنان مشکل جدی دارند. از این نظر کانتونهای کوبانی و جزیره و عفرین خار چشم اردوغان و دار و دسته اش در ترکیه و حکام سیاسی در ایران و عراق است. (دولت سوریه فعلا با مشکلات جدی تری مواجه است و از لحاظ تاکتیکی فعلا تحمل کانتونها را در دستور دارد).

۵- به همه اینها باید اضافه کرد که تلاش مردم برای اعمال اراده سیاسی خودشان؛ حضور زنان در فعالیتهای سیاسی و اداره جامعه، تحقق حقوق و برابری زنان در هر سطحی در کانتونهای کوبانی و جزیره و عفرین خار چشم مرتجعین ضد زن حاکم در ترکیه و ایران و عراق است که یک رکن ایدئولوژی منحط ارتجاعیشان تحقیر و تبعیض علیه زنان است.

**نقش آمریکا:**

آمریکا و ترکیه به ترتیب در راس اولین و دومین ارتش قدرتمند ناتو هستند. اگرچه این دو هنوز رسما متحد استراتژیک در ناتو محسوب میشوند اما روشن است که اتحاد نظامی استراتژیک نیروهای ناتو اساسا موضوعی مربوط به دوران جنگ سرد است. نه ناتو نقش سابق را دارد و نه نیروهای ناتو مناسباتشان در دوران جنگ سرد منجمد شده است.

حتی موقعی که آمریکا اجبارا تصمیم گرفت ائتلاف علیه داعش را تشکیل دهد، ترکیه هنوز به اشکال مختلف داعش را تقویت میکرد. در طرف مقابل، آمریکا از "یگانهای مدافع خلق" حمایت میکرد در حالیکه ترکیه آنرا تروریست اعلام کرده است.

در متن این تنشهای در هم تنیده، خود آمریکا هم سردرگم است. قبلا برای شکست داعش به "یگانهای مدافع خلق" احتیاج داشت و از این نیرو حمایت میکرد و امروز با توجه به شکست داعش جایگاه "ِیگانهای مدافع خلق" برای آمریکا دیگر مثل سابق نیست. در عین حال حضور قدرتمند این نیرو در منطقه یک امکان مهم سیاسی و نظامی برای تضعیف محور ایران، سوریه، لبنان و به این اعتبار تضعیف موقعیت روسیه تلقی میشود. این وسط نزدیکی بیش از پیش ترکیه و روسیه هم یک نگرانی سیاسی جدی برای دولت آمریکاست.

همه اینها زمینه های زیگزاگ زدنهای مداوم دیپلماتیک و سیاسی و نظامی آمریکاست.

از یکطرف وزیر خارجه آمریکا اعلام میکند آمریکا قصد ماندن در سوریه دارد و مقابله با نفوذ ایران فوری ‌ترین اولویت استراتژیک دولت ترامپ در سوریه پس از مقابله با داعش است؛ از قول مقامات نظامی- سیاسی آمریکا خبر تشکیل یک نیروی ۳۰ هزار نفره در شمال سوریه به عنوان "نیروی امنیت مرزی" اعلام میشود که گویا نصف آن شامل "نیروهای سوریه دمکراتیک" (اس.دی.اف) خواهد بود که ستون فقراتش را "یگانهای مدافع خلق" تشکیل میدهند

و از طرف دیگر همان وزیر خارجه همزمان با تهاجم نظامی اردوغان نگرانی امنیتی ترکیه را مشروع اعلام میکند، با رقت و رذالت تمام این خبر را پس میگیرد و میگوید "ما یک توضیح به ترکیه بدهكاريم، این موضوع کاملا اشتباه مطرح شده و برخی از افراد نیز اشتباه صحبت کرده اند. هیچ نیروی امنیت مرزی تشکیل نخواهیم داد" و "نگرانی امنیتی" ترکیه را مشروع میداند! و همزمان وزیر دفاع امریکا هم اعتراف میکند که از قبل از حمله، واشتنگتن مطلع شده است و دونالد ترامپ هم از اردوغان میخواهد "جنگ را ملایمتر پیش ببرد"!

و همه این رذالت پیشگان هیئت حاکمه امریکا به همراه همتایان به همان اندازه رذلشان در اروپا از دو طرف میخواهند "خویشتنداری" نشان دهند! یعنی هم ارتش دوم ناتو که مردم یک منطقه وسیع را سلاخی میکند و هم مردمی که از جان و زندگیشان مدافع میکنند خویشتنداری کنند!

تردیدی در این نبود و نیست که اگر در هر مقعطی از تحولات و توازن قوا در منطقه و سوریه تصمیم گیرندگان سیاسی در هیئت حاکمه آمریکا به این نتیجه برسند که دیگر مصرف "حزب اتحاد دمکراتیک" و نیروهای مسلحش تمام شده است براحتی به آنها پشت خواهند کرد.

آیا الان چنین مقطعی است؟ آیا الان که زنان و مردان زنان و مردان مسلح در "ی.پ.گ" و "ِی.پ.ژ" با جسارتی کم نظیر "رقه" پایتخت خلافت اسلامی ابوبکر البغدادی را به گورستان این هیولا تبدیل کرده اند، امریکا تصمیم گرفته است اینها را به دم تیغ دیکتاتور ترکیه رها کند؟ در این صورت چرا همین دیروز به کمک همین "یگانهای مدافع خلق" میخواست نیروی مرزی ۳۰ هزار نفره درست کند؟ پاسخ ساده این سئوال این است که هئیت حاکمه آمریکا چرتکه انداخته است و فعلا به قمیت جان و زندگی صدها هزار انسان در شمال سوریه، همراهی با ترکیه را ترجیح داده است!

**موضع روسیه و جمهوری اسلامی:**

به این چند گزارش به هم مربوط دقت کنید:

طبق گزارشاتی که در رسانه های جهانی منعکس شد، گویا پوتین از مقامات اداره عفرین درخواست کرده بود که عفرین را به دولت سوریه واگذار کنند تا امکان حمله ترکیه به این منطقه منتفی شود. ظاهرا بعد از رد این درخواست و بعد از اعلام تشکیل "نیروی امنیت مرزی" توسط آمریکا در شمال سوریه موضع پوتین و جمهوری اسلامی عوض شده است. روزنامه "دیلی صباح" ترکیه مدتی پیش از قول مقامات ترکیه اعلام کرد که ایران و روسیه از آمادگی خود برای واگذاری عفرین به ترکیه خبر داده اند. همین خبر را وبسایت تابناک در ایران به این صورت گزارش داده است که گویا ایران و روسیه به اعلام آمادگی کرده اند که چنانچه ترکیه کمک کند دسته های مسلح مخالف بشار اسد از بخش‌هایی از جنوب سوریه عقب نشینی کنند، با عملیات ترکیه در عفرین موافق خواهند بود.

در متن حمله به عفرین اتفاقی در استان ادلب رخ داد که جلوه ای روشن از معامله روسیه و ایران از یکطرف و ترکیه از طرف دیگر است. و آنهم بازپس گیری فرودگاه نظامی ابوضهور از گروه تحریرالشام توسط نیروهای بشار اسد است که با حمایت روسیه و جمهوری اسلامی انجام شد. اتفاقی که دست ارتش سوریه برای مقابله با شبه نظامیان مسلح در این منطقه را بازتر خواهد کرد.

اردوغان قطعا برای این تهاجم نظامی چراخ سبز پوتین را دریافت کرده است. روسیه از نفوذ و تسلط آمریکا بر "حزب اتحاد دمکراتیک" و نیروهای مسلحش و به تبع آن قدرت گیری بیشتر این حزب خوشحال نیست. تا آنجا که به اتحاد تاکتیکی این حزب و آمریکا مربوط است، قدرت گیری بیشتر این حزب و بازوهای نظامیش یعنی "ِی.پ.گ" و "ی.پ.ژ" به معنای نفوذ و حضور قویتر آمریکا در شمال سوریه و معاملات فردا است. ضمنا برای روسیه جذب ترکیه در مناقشات منطقه و سوریه در هر سطحی به سمت اردوی خودش بسیار مهم است.

بی دلیل نیست که روسیه فورا بعد از حمله به عفرین نیروهایش را از منطقه بیرون کشید و با تعطیل پایگاه نظامیش عملا آسمان شمال غربی سوریه را برای بمباران عفرین توسط جنگنده های ارتش ترکیه باز کرد. به این ترتیب پوتین در مقابل "شاخه زیتون" اردوغان که از آن خون میچکد برگ زیتون خونین به او تقدیم کرد. اسم رمز حمله به عفرین اسم بامسایی برای رابطه فعلی اردوغان و پوتین است.

هدف اصلی آمریکا از حمایت از "حزب اتحاد دمکراتیک" و نیروهای مسلحش بعد از شکست داعش اساسا ایجاد سد در مقابل محور روسیه، ایران و احتمال پیشروی زمینی جمهوری اسلامی در شمال سوریه بود. متقابلا روسیه هم به هر طریقی میخواهد در استراتژی آمریکا برای تبدیل شمال سوریه به پایگاه سیاسی و نظامی خود خلل بوجود بیاورد بدون اینکه مستقیما با آمریکا درگیر شود. حمله ترکیه به شمال سوریه بهترین فرصت برای تحقق این هدف است. چراغ سبز پوتین به اردوغان برای حمله به عفرین در این زمینه قابل تحلیل است.

روشن است که برای جمهوری اسلامی تقویت موقعیت بشار اسد و حفظ قدرتش در حال حاضر یک هدف استراتژیک است و با توجه به این، جمهوری اسلامی از شاخ به شاخ شدن آمریکا و ترکیه در هر سطحی و همزمان از نزدیکی ترکیه و روسیه در هر سطحی خوشحال است. به این اعتبار تضعیف موقعیت سیاسی و نظامی "حزب اتحاد دمکراتیک" در منطقه فعلا در جهت هدف استراتژیک جمهوری اسلامی است و جمهوری اسلامی حمله ترکیه به عفرین را فعلا در خدمت منافع استراتژیک خود میداند.

**از مقاومت عادلانه عفرین در مقابل تجاوز نظامی باید دفاع کرد!**

در چنین شرایطی است که اردوغان به خودش اجازه میدهد در سخنرانیش در ۲۶ ژانویه باد در غبغب بیاندازد و با وقاحتی در خود یک جنگسالار اسلامی بگوید: "ممد کوچک من (اشاره به سربازان ترکیه) به سمت عفرین خواهد رفت و انشاءالله به سوی ادلب پیشروی خواهد کرد". البته میدانیم که اکثر این "ممد کوچک"ها فرزندان خانواده های فقیر ترکیه هستند که در خدمت جاه طلبیهای یک فاشیست اسلامی و دولتش به گوشت دم توپ تبدیل شده اند.

حمله دولت ترکیه به مردم عفرین یک جنایت آشکار جنگی است. قربانیان اصلی این تجاوز نظامی هم مثل همیشه مردم عادی کوچه و خیابان خواهند بود.

مستقل از هر تصویر از و هر نقدی به احزاب ناسیونالیست در شمال سوریه، مستقل از هر نقد به مبانی ایدئولوژیک و معاملات سیاسی "حزب اتحاد دمکراتیک" با این یا آن دولت، باید با تمام توان از مقاومت حق طلبانه عفرین در مقابل تروریسم دولتی ترکیه دفاع کرد.

باید به هر طریق ممکن به مقاومت عفرین به پیشگامی شجاعانه زنان و مردانی که قبلا داعش را شکست داده اند کمک کرد.

باید به هر شکل ممکن تلاش کرد که در این مقاومت انسانی و حق طلبانه، در جنگی که دومین ارتش ناتو به رهبری ارتجاع اسلامی با چراغ سبز آمریکا و روسیه بر مردم عفرین تحمیل کرده اند، مقاومت مردم عفرین پیروز شود.

این یک قدم مهم در عقب راندن ارتجاع اسلامی به رهبری اردوغان و به این اعتبار قدمی در عقب راندن کل ارتجاع اسلامی در منطقه خواهد بود.

۳ فوریه ۲۰۱۸ – ۱۴ بهمن ۱۳۹۶

ebrahimi1917@gmail.com

